

ریشارد گراملیش

طریقہ ہاشعی ایران

ذہبیہ، نعمت اللہیہ و خاکساریہ

سلسلہ‌ها، عقیدہ و مذهب، سنن و آئین‌ها

ترجمہ شیرین شادفر



اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ

ریشارد گراملیش

طریقہ سنی ایران

ذہبیہ، نعمت اللہیہ و خاکساریہ

سلسلہ‌ها، عقیدہ و مذهب، سنن و آئین‌ها

ترجمہ شیرین شادفر



سرشناسه	: گراملیش، ریشارد، مترجم Gramlich, Richard
عنوان و نام پدیدآور	: طریقه‌های شیعی ایران / ریشارد گراملیش، مترجم شیرین شادفر.
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳ ج. در یک مجلد (۸۶۳ ص.)
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۱۷-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: De schiitischen Derwischorden Persiens, 1981. عنوان اصلی:
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: تصوف -- فرقه‌ها
موضوع	: تصوف -- ایران
موضوع	: شیعه و تصوف
موضوع	: عرفان -- شیعه
موضوع	: شیعیان -- ایران
موضوع	: آداب طریقت
شناسه افزوده	: شادفر، شیرین، ۱۳۴۹ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۵۸۹۷۹

این کتاب ترجمه‌ای است از:
 Die schiitischen Derwischorden Persians
 Erster Teil: Die Affiliationen, 1965
 Zweiter Teil: Glaube und Lehre, 1976
 Dritter Teil: Brauchtum und Riten, 1981, Wiesbaden

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

naamak.publication@gmail.com

نامک در زبان پهلوی (فارسی میانه) به معنای کتاب و نامه است.

naamak.publication

naamak.publication



طریقه‌های شیعی ایران
 ذهبیه، نعمت‌اللهیه و خاکساریه
 نویسنده: ریشارد گراملیش
 مترجم: شیرین شادفر
 چاپ اول: ۱۳۹۹ / شمارگان: ۸۸۰ نسخه
 لیتوگرافی: کارا / چاپ: منصور؛ صحافی: کیا

ISBN: 978-622-6670-17-3

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۱۷-۳

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

مرکز پخش: پارسه، ۶-۵۰۴۷۷۴۰۵، داخلی ۱

فهرست

I. خصوصیات طریقه.....	۱۰۶
۱. سلطان جلال الدین حیدر.....	۱۰۷
۲. قلندرگری.....	۱۱۰
۳. انجمن های فتوت.....	۱۱۵
۴. اهل حق.....	۱۱۸
۵. طریقه ها.....	۱۱۸
II. سلسله نیاکان طریقه.....	۱۲۰
III. قطب ها و مشایخ عصر جدید.....	۱۲۳
IV. نوشته های خاکساریه.....	۱۲۴
پیوست.....	۱۲۸
۱. صورت خانقاه های درویشان در ایران ...	۱۲۸
۲. شمارگان اعضا.....	۱۳۰
۳. پراکندگی جغرافیایی.....	۱۳۲
۴. سندهای پذیرش برگرفته از رساله های خاکسار.....	۱۳۳

جلد ۲ - عقیده و مذهب

پیشگفتار.....	۱۳۷
_____ بخش یکم: _____	
_____ خدا و دنیا _____	۱۴۱
الف. وحدت وجود.....	۱۴۱
۱. مقدماتی از آموزه قدیم تر.....	۱۴۲
الف) یگانه سازی مشاهده آمیز.....	۱۴۴

مقدمه ناشر.....	۹
مقدمه مترجم.....	۱۳

جلد ۱ - سلسله ها

پیشگفتار.....	۱۹
سه طریقه شیعه.....	۲۳
الف. سلسله ذهبیه.....	۲۶
I. نیاکان طریقه.....	۲۶
۱. پیامبر و امامان.....	۲۶
۲. قطب ها.....	۲۸
II. طریقه جدید.....	۴۳
الف) شجره شریفی.....	۴۹
ب) شجره وحیدالاولیاء.....	۵۰
ب. سلسله نعمت اللهی.....	۵۳
I. نیاکان طریقه.....	۵۵
II. طریقه جدید.....	۵۷
دو شاخه اولیه.....	۷۳
۱. شاخه کوثرعلیشاه.....	۷۴
۲. شاخه شمس العرفاء.....	۷۸
سه طریقه بزرگ نعمت اللهی زمان حال.....	۹۰
پیش یادآوری هایی درباره هریک از شاخه ها.....	۹۱
۱. شاخه ذوالریاستین.....	۹۱
۲. شاخه صفی علیشاهی.....	۹۵
۳. شاخه گنابادی.....	۹۹
ب. سلسله خاکسار.....	۱۰۶

۲۳۹	ث. دین.....
۲۳۹	۱. درونی‌سازی و مدارا.....
۲۴۵	۲. شریعت، طریقت، حقیقت، آزادی.....
۲۵۸	۳. نماز و حج.....
۲۵۹	۳-۱. نماز.....
۲۶۳	۳-۲. حج.....
۲۶۸	۴. علم و معرفت.....
۲۶۸	۴-۱. جهل و علم.....
	۴-۲. معرفت یافتن، عمل کردن، دوست داشتن.....
۲۷۳	
۲۷۹	۴-۳. جهل و تحیر.....

بخش دوم:

طریقه و اعضای آن ————— ۲۸۵

۲۸۵	الف. طریقه‌داری.....
۲۸۵	۱. سلسله و سازمان.....
۲۸۸	۲. انضباط سرّی.....
۲۹۲	۳. رابطه با اجتماع.....
۲۹۵	۴. تأمین مخارج طریقه‌ها.....
۲۹۷	۵. انتقاد و انتقاد از خود.....
۳۰۳	ب. قطب.....
۳۰۳	۱. دو ولایت.....
۳۰۵	۲. سلسله مراتب اولیا.....
۳۱۱	۳. قطب در طریقه.....
۳۱۱	الف) جایگاه قطب.....
۳۱۸	ب) سلسله و جانشینی.....
۳۲۶	پ) چند سند انتصاب.....
۳۲۸	ب. شیخ.....
۳۲۹	۱. القاب شیخ.....
۳۳۴	۲. جایگاه شیخ در طریقه.....
۳۳۵	۳. شیخ در مقام ولی.....
۳۳۶	الف) سالک و مجذوب.....
۳۴۲	ب) کامل مکمل.....
۳۴۳	پ) رجوع کرده.....
۳۴۶	۴. نیروهای فرازمینی شیخ.....
۳۴۶	الف) کرامت.....
۳۵۱	ب) فراست.....
۳۵۳	پ) نظر.....

۱۴۵	ب) یگانه‌سازی فعال.....
۱۴۶	۲. متنی از کتاب مصباح‌الهدایه.....
۱۵۱	۳. آموزه کنونی.....
	الف) هر غیرخدایی فقط به وابستگی و ارتباط خود با خدا، که تنها به حقیقت خودش وجود دارد، موجود است.....
۱۵۱	
	ب) هرچه هست، بنا بر ذات اصلی خود، خداست.....
۱۵۲	
۱۵۶	پ) تو خود، خدایی.....
۱۵۸	ب. خدا.....
۱۵۸	۱. خدای ناشناختی.....
۱۶۳	۲. شناخت عرفانی خدا.....
۱۶۷	۳. نام‌های خدا.....
۱۶۸	۴. نام بزرگ خداوند.....
۱۷۲	پ. عالم.....
۱۷۳	۱. عوالم غیر الاهی.....
۱۷۴	۲. مفهوم و هدف آفرینش.....
۱۷۶	۳. دنیا.....
۱۸۵	ت. انسان.....
۱۸۵	۱. سرنوشت کیهانی انسان.....
۱۸۵	۱-۱. انسان چیست؟.....
۱۸۸	۱-۲. مبدأ و مقصد انسان.....
۱۹۴	۱-۳. تقدیر انسان.....
۱۹۷	۱-۴. آخرت انسان.....
۲۰۲	۲. اجزای ذاتی وجود انسان.....
۲۰۴	۲-۱. نفس.....
۲۰۴	الف) مفهوم نفس.....
۲۰۵	ب) نکوهش نفس.....
۲۰۸	پ) طرز رفتار با نفس.....
۲۱۱	ت) مراتب نفس.....
۲۱۳	۲-۲. دل.....
۲۲۰	۲-۳. روح.....
۲۲۲	۲-۴. سرّ.....
۲۲۴	۲-۵. اجزای ذاتی بمراتب برتر وجود.....
۲۲۴	۳. سختی انسان.....
۲۲۵	۳-۱. رنج.....
۲۳۱	۳-۲. مرگ.....
۲۳۶	۳-۳. گناه.....

ب. الف) نیستی در مقام هدف.....	۴۷۷
ب. ب) گذار به نیستی.....	۴۸۰
ب. پ) بروز و پیدایش جنبه‌های الاهی.....	۴۸۶
ب. ت) اعتماد به نفس الاهی.....	۴۹۲
ب. ث) فنا و بقا.....	۴۹۵
۶. صعود و گذر از منازل.....	۴۹۷
پ. اسباب.....	۵۰۲
۱. طرز نگرش‌های معنوی.....	۵۰۳
الف) تنها خدا را جستن.....	۵۰۳
ب) غیر خدا را خوار شمردن.....	۵۰۹
پ) تطابق داشتن با وقت خود.....	۵۱۴
پ. الف) وقت به منزله زمان حال.....	۵۱۵
پ. ب) وقت در مقام حالت روحی.....	۵۱۸
پ. پ) وقت به منزله حال وجدآمیز ..	۵۲۲
۲. تکالیف دینی.....	۵۲۹
الف) محاسبه.....	۵۳۰
ب) ذکر.....	۵۳۵
ب. الف) آموزه.....	۵۳۵
* (۱) ماهیت ذکر.....	۵۳۵
* (۲) ذکر در مقام داروی هر درد.....	۵۳۸
* (۳) دقایق و رموز ذکر.....	۵۴۳
الف الف) مقام عرفانی ذکر.....	۵۴۳
ب ب) ژرف‌تر شدن عرفانی ذکر.....	۵۴۵
پ پ) تداوم بی‌وقفه ذکر.....	۵۵۰
ت ت) پشت‌سرنهادهن عارفانه ذکر.....	۵۵۲
ب. ب) روش.....	۵۵۵
* (۱) شرایط کلی.....	۵۵۵
* (۲) سه شیوه مهم.....	۵۶۲
الف الف) ذکر دوضرب.....	۵۶۳
ب ب) ذکر نقشبنديه.....	۵۶۵
پ پ) ذکر چهارضرب.....	۵۶۹
* (۳) ذکر سوزی درویشان ایرانی.....	۵۷۱
الف الف) ذکر ذهبیه.....	۵۷۱
ب ب) ذکر خاکسار.....	۵۷۳
پ پ) ذکر نعمت‌اللهم.....	۵۷۳
پ) نظر.....	۵۷۷
پ. الف) آموزه.....	۵۷۷
* (۱). فکر (تفکر).....	۵۷۷

ت) همت.....	۳۵۶
ث) آن به اصطلاح خطرات شیخ.....	۳۵۸
۵. راهنمایی مرید.....	۳۵۹
الف) شیخ در مقام راهنمای نفس.....	۳۵۹
ب) واقعات و خواب‌ها.....	۳۶۲
پ) «خواطر».....	۳۶۷
ت. مرید.....	۳۷۷
۱. نامگذاری‌های فراخور درویش.....	۳۷۷
۲. ضرورت شیخ.....	۳۸۱
۳. نسبت با شیخ.....	۳۸۸
الف) مرید و مرشدش.....	۳۸۸
ب) فرمان‌برداری.....	۳۹۳
پ) رابطه باطنی و عرفانی با شیخ.....	۳۹۸
۴. صفات مرید.....	۴۰۳

بخش سوم:

طریقت.....	۴۰۷
الف. طریقت و مقصد.....	۴۰۷
۱. مقصد.....	۴۱۰
الف) از طلب به وصول.....	۴۱۰
ب) از نقص به کمال.....	۴۱۰
پ) از نفس به دل و فراسوی دل.....	۴۱۱
ت) از صفات ناپسند به نیک.....	۴۱۱
ث) از شریعت به طریقت.....	۴۱۳
ج) به آفریننده و آفریدگان.....	۴۱۴
۲. قرب.....	۴۱۷
۳. خطر‌ها و دشمنان.....	۴۲۱
ب. مسیر راه.....	۴۲۸
۱. مقامات و احوال.....	۴۲۸
۲. توبه.....	۴۳۶
۳. زهد و مجاهده.....	۴۴۳
۴. محبت.....	۴۵۵
الف) محبت حق.....	۴۵۵
ب) شوق، انس، هیئت.....	۴۶۵
پ) انسان‌دوستی.....	۴۶۶
۵. فنا.....	۴۷۲
الف) دیدگاه‌های امروزی.....	۴۷۲
ب) آموزه‌های قدیم‌تر.....	۴۷۶

۶. آداب و رسوم در مناسبت‌های کوچک‌تر .	۶۷۶
۱. آب به دست دادن .	۶۷۶
۲. روشن کردن .	۶۷۷
۳. سایر رسم‌ها .	۶۷۸
ت. مجلس‌های ذکر .	۶۷۹
۱. جلسه صفی‌علی‌شاهی و ذوالریاستین .	۶۸۰
۱. آغاز .	۶۸۰
۲. ذکر .	۶۸۳
۳. نواهای پایانی .	۶۸۵
۴. دست دادن .	۶۸۶
۲. جلسه گنابادیه .	۶۸۶
۱. نماز مغرب و عشا .	۶۸۷
۲. نثرخوانی .	۶۸۷
۳. شعرخوانی .	۶۸۷
۴. زمان سکوت .	۶۸۸
۳. جلسه ذهییه .	۶۸۸
۱. نماز مغرب و عشا .	۶۸۸
۲. ذکر .	۶۸۸
۳. قرائت بلند قرآن .	۶۸۹
۴. قرائت آرام و بی‌صدای قرآن .	۶۸۹
۵. آوازهای مذهبی .	۶۸۹
۶. دعای انجمنین .	۶۹۱
۴. جلسه خاکسار .	۶۹۲
۱. ورود .	۶۹۲
۲. ترجیع‌بندها .	۶۹۳
۳. سلسله .	۶۹۳
۴. ذکر .	۶۹۳
۵. سلام پایانی .	۶۹۵
۶. دعا‌های خیر .	۶۹۵
ث. گردهمایی‌های رسمی و باتشریفات تمام .	۶۹۷
۱. دیگ‌جوش .	۶۹۷
۲. مجلس نیاز .	۷۰۰
(الف) نکته‌ها و تذکرات مقدماتی .	۷۰۱
۱. نامگذاری مجلس .	۷۰۱
۲. زمان و مدت .	۷۰۱
۳. شرکت‌کنندگان .	۷۰۱
۴. نحوه‌نشستن .	۷۰۲
۵. لباس .	۷۰۲

* (۲) مراقبه .	۵۸۲
* (۳) مشاهده .	۵۸۶
پ. ب. روش .	۵۹۴
شیوه‌ای از فکر استدلالی .	۵۹۹
۳. روش‌های ظاهری زندگی .	۶۰۱
(الف) فقری یا دارایی .	۶۰۱
(الف. الف) درباره خجستگی فقر .	۶۰۲
(الف. ب) درباره کسب .	۶۰۸
(الف. پ) درباره دریوزگی .	۶۱۳
(الف. ت) درباره دارایی در فقر .	۶۱۶
پ. ازدواج یا بی‌همسری .	۶۱۹
پ. خلوت یا انجمن .	۶۲۶
ت. اصول و قواعد زندگی درویشان .	۶۳۱

جلد ۳- سنن و آیین‌ها

پیشگفتار .	۶۳۷
الف. نشانه‌های ظاهری .	۶۴۱
۱. خاتفا .	۶۴۱
۲. لباس و وصله‌ها .	۶۴۳
۳. نشان‌ها .	۶۵۳
ب. آداب و وظایف .	۶۵۶
۱. آداب کلی زندگی .	۶۵۶
۲. تکالیف نیایشی خاص .	۶۵۸
(الف) تکالیف نیایشی نعمت‌اللهیه .	۶۵۸
(ب) تکالیف نیایشی ذهییه و خاکسار .	۶۶۱
پ. آداب و رسوم در مناسبت‌های مختلف .	۶۶۲
۱. سلام طبق آداب و تشریفات خاص .	۶۶۲
۱. سلام توسط صفا .	۶۶۲
(الف) رسم نعمت‌اللهیه .	۶۶۲
(ب) رسم خاکسار .	۶۶۳
۲. سلام و بدرود به صورت گل‌بانگ .	۶۶۳
(الف) مراسم سلام گفتن .	۶۶۴
(ب) مراسم بدرود .	۶۶۵
۲. تقدیم پیشکش‌ها .	۶۶۵
۳. گدایی کردن .	۶۶۷
۴. آمرزش گناهان .	۶۷۱
۵. اعطای کلاه درویشی .	۶۷۵

- ۷۲۳ ۹. سماع
- ۷۲۴ ۱۰. قسمت کردن نیازها
- ۷۲۴ ۱۱. سومین دست شستن
- ۷۲۴ ۱۲. نیازهای خادمان
- ۷۲۶ ج. پذیرش در طریقه
- ۷۲۷ ۱. پذیرش در نعمت الهیه
- ۷۲۷ (الف) اشخاص
- ۷۲۸ (ب) ایستادن و سجده ها
- ۷۲۹ (ب) تقدیم پیشکش ها و آمرزش گناهان ..
- ۷۳۰ (ت) پیمان بستن و تلقین ذکر
- ۷۳۱ (ث) خاتمه
- ۷۳۱ (ج) پذیرش زنان
- ۷۳۱ ۲. پذیرش نزد ذبیحه
- ۷۳۲ ۳. پذیرش نزد خاکسار
- ۷۳۲ (الف) نکات و تذکرات مقدماتی
- ۷۳۲ ۱. منابع
- ۷۳۳ ۲. متون
- ۷۳۳ ۳. مراتب پذیرش
- ۷۳۵ ۴. وظیفه و کار پیر دلیل
- ۷۳۵ (ب) مراتب لسان و پیاله
- ۷۳۶ (۱) زمینه سازی ها
- ۷۳۶ ۱. تلاوت مقدماتی قرآن
- ۷۳۷ ۲. تلقین پیش از غسل
- ۷۳۷ ۳. غسل ها
- ۷۳۹ (۲) آداب و تشریفات مقدماتی
- ۷۳۹ ۱. «رسمان خدا»
- ۷۳۹ ۲. شعرخوانی ها و قرائت های توضیحی
- ۷۴۰ (الف) در ثبوت لنگ (خفیف): ...
- ۷۴۲ (ب) در ثبوت شیرینی
- ۷۴۳ (پ) در ثبوت چهارضرب
- ۷۴۴ ۳. هشت سخن
- ۷۴۴ (۳) آداب و تشریفات پذیرش
- ۷۴۴ ۱. ورود
- ۷۴۴ (الف) قاپی اول
- ۷۴۵ (ب) قاپی دوم
- ۷۴۶ (پ) قاپی سوم
- ۷۴۶ ۲. طلب
- ۷۰۳ (ب) فراهم چینی مقدمات جلسه
- ۷۰۳ ۱. ورود شیخ
- ۷۰۳ ۲. ورود دعوت شدگان
- ۷۰۴ ۳. تشکیل حلقه
- ۷۰۵ (پ) تشریفات مجلس
- ۷۰۵ (۱) افتتاح
- ۷۰۶ (۲) جمع کردن نیازها
- ۷۰۶ ۱. نیاز شیخ
- ۷۰۷ ۲. نیاز پیر دلیل
- ۷۰۷ ۳. نیاز دعوت شدگان
- ۷۰۷ ۴. درهم آمیختن نیازها
- ۷۰۸ (۳) پنج سجده
- ۷۰۸ ۱. سجده نخست
- ۷۰۸ ۲. صفای دوره
- ۷۰۹ ۳. سجده دوم
- ۷۰۹ ۴. پخش کردن نیازها و سجده سوم
- ۷۱۱ ۵. سجده چهارم
- ۷۱۱ ۶. تقسیم برکت سفره
- ۷۱۲ ۷. سجده پنجم
- ۷۱۲ (۴) تشریفات انجامین
- ۷۱۲ ۱. گرفتن دستمال ها
- ۷۱۳ ۲. برکت برای منتظران
- ۷۱۳ (۵) پی مجلس
- ۷۱۴ ۳. جمع حقیقت
- ۷۱۴ (الف) تذکرات و نکات مقدماتی
- ۷۱۴ ۱. زمان مجلس
- ۷۱۵ ۲. پی ریزی جمع
- ۷۱۵ ۳. شرکت کنندگان جمع
- ۷۱۶ ۴. محل جمع
- ۷۱۷ (ب) صرف خوراک
- ۷۱۷ ۱. ورود
- ۷۱۷ ۲. سفره ها
- ۷۱۹ ۳. نخستین دست شستن
- ۷۱۹ ۴. نذر
- ۷۲۱ ۵. بخش بستگان
- ۷۲۱ ۶. دومین دست شستن
- ۷۲۲ ۷. آب چرخ
- ۷۲۲ ۸. آماده کردن نیازها

۷۶۲ (پ) مرتبه کسوت	۷۴۷ ۳. لسان
۷۶۲ ۱. آموزه	۷۴۸ ۴. قوچ قربانی
۷۶۲ ۲. مراسم	۷۴۸ ۵. توبه
۷۶۴ ۳. کارهای پس از آن	۷۴۹ ۶. تشهد
۷۶۶ (ت) مرتبه گل سپردن	۷۵۰ ۷. بیعت
۷۶۷ (ث) مرتبه سر سپردن	۷۵۰ ۸. پنج منزل
۷۶۷ ۱. آموزه	الف) منزل شد و وصل (بستن و پیوستن)
۷۶۸ ۲. اشخاص	۷۵۰
۷۶۸ ۳. مکان مجلس	۷۵۱ ب) منزل قاب قوسین
۷۶۹ ۴. مراسم	۷۵۲ پ) منزل جهاز اشتر
۷۷۰ ۵. پی مجلس	۷۵۳ ت) منزل قفل و کلید
۷۷۰ (ج) مرتبه چراغی گرفتن	۷۵۴ ث) منزل وفا
۷۷۰ ۱. اشخاص	۷۵۴ ۹. تلقین بعد از غسل
۷۷۱ ۲. مراسم	۷۵۵ ۱۰. پیاله دادن
۷۷۲ (ج) مرتبه فقر و فنا	۷۵۸ (۴) رسوم تکمیل‌کننده
۷۷۳ سخن انجامین	۷۵۸ ۱. تلقین ذکر
۷۷۵ کتابنامه	۷۵۹ ۲. خاک‌نامه
	۷۶۱ ۳. اسم دادن

مقدمه ناشر



پایه تألیف کتاب حاضر به زمان تحصیل مؤلف در ایران برمی‌گردد که مقدر بود با صوفیان و طرز زندگی و اندیشه‌های آنها آشنا گردد. از آنجا که او در تألیفات شرق‌شناسان جای اثری دربارهٔ درویش‌گری ایرانی را خالی یافت، بر آن شد در کاری «علمی» به این موضوع بپردازد. او خود در مقدمه توضیح داده که تا آنجا که توانسته، تمام کوشش خود را کرده تا اطلاعاتی صحیح و موثق در اختیار خوانندگان خود قرار دهد. در این کتاب ردی از اظهارنظر شخصی و جانبداری یا رد توأم با تعصب و غرض دیده نمی‌شود. مؤلف در بخش اصلی کتاب که دربارهٔ دنیای اندیشه‌های درویشان و مقایسهٔ آن با افکار و عقاید صوفیان گذشته است، هم به ذکر آرای موافق پرداخته و هم نظرات مخالف را شرح داده، و در هر وهله ایرادهای وارد به طرز فکر و نحوهٔ عمل هم صوفیان گذشته و هم پیروان طریقه‌های شیعی کنونی را آورده که خود گواه بی‌طرفی او نسبت به موضوع و علمی بودن اثرش است. وانگهی با توجه به این نکته که او نه از اعضای طریقه‌ها بوده و نه طی تحقیقاتش به آنها گرویده، خود دلیلی است که به روشنی معلوم می‌دارد که هدف از تألیف این کتاب نه جانبداری و تبلیغ تصوف بلکه صرفاً ارائه تحقیق علمی در زمینهٔ مزبور بوده است. شایان ذکر است که این کتاب در شصت سال پیش نگاشته شده و از آن زمان تاکنون تغییرات عمده‌ای در طریقه‌های تصوف صورت گرفته است.

قصد ناشر و مترجم از اقدام به ترجمه و چاپ این کتاب نیز برآمده از همان حسی است که مؤلف را به نگارش آن برانگیخت: ارائه اثری علمی و واقع‌بینانه در زمینهٔ طریقه‌های شیعی ایران به مخاطبان، به ویژه پژوهشگران فارسی‌زبان. به هر حال، چه با

تصوف و درویشگری موافق باشیم، چه مخالف، اینها دیدگاهی است که جزئی از تاریخ این مرز و بوم و درویشان بخشی هرچند کوچک از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، بخشی که وجودشان در مواردی به هر حال خالی از تأثیرات اجتماعی نبوده است؛ از این لحاظ، سزاوار است که مورد تحقیق و پژوهش علمی مبتنی بر منابع موثق قرار گیرند. این کتاب بی‌تردید منبعی قابل اطمینان در این زمینه به شمار می‌رود.

بر این اساس، امید است این کوشش که آن را خرده‌خدمتی به فرهنگ و تاریخ این سرزمین می‌دانیم، تبلیغ و ترویج یا جانبداری از تصوف و درویش‌گری قلمداد نشود، آنچه فرسنگ‌ها از اندیشه و هدف ناشر و مترجم به دور بوده و به دور است، همان‌گونه که به اندیشه مؤلف هم راه نداشته و انگیزه تألیف این اثر نیز نبوده است.

مقدمه مترجم



به نام آنک جهان را نور دین داد
خرد را در خدادانی یقین داد

کتاب پیش رو دستاورد سفر مؤلف در سال ۱۹۵۹م به ایران و حاصل تحقیقات میدانی او دربارهٔ طریقه‌های شیعی ایران است. این اثر که بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۱م به چاپ رسیده است، نخستین کار بزرگ مؤلف و در عین حال در نوع خود اثری منحصر به فرد به زبانی اروپایی به شمار می‌رود.

در میان شرق‌شناسان نه‌تنها آلمانی بلکه اروپایی، جایگاه والای گرامیش که بجا از عرفان‌پژوهان بزرگ شمرده می‌شود، انکارناپذیر است. این اثر خود بتنهایی گویای آن است که او بحق این جایگاه را به خود اختصاص داده است، چه، از دانش بس ژرف او در زمینهٔ عرفان اسلامی و تسلط مثال‌زدنی‌اش بر منابع و زبان‌های عربی و فارسی حکایت می‌کند. در مقدمهٔ ترجمهٔ دیگر اثر ارجمند او «کهن‌پیشروان تصوف»، دربارهٔ زندگی و آثار او مطالبی به دست داده‌ام. در اینجا، برای پرهیز از تکرار تنها به ذکر شمه‌ای بسنده می‌شود از این قرار که اوست: زادهٔ ۶ آگوست ۱۹۲۵م در مانهایم، شاگرد ممتاز فریتس‌مایر در دانشگاه بازل، آنجا که در سال ۱۹۶۹م موفق به اخذ درجهٔ دکتری شد، استاد تاریخ ادیان دانشکدهٔ الهیات دانشگاه فرایبورگ از ۱۹۷۱م تا به بازنشستگی زود هنگامش در ۱۹۸۷م، درگذشتهٔ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۶م.

مؤلف خود در مقدمه‌هایی که نگاشته، دربارهٔ موضوع اثر، نحوهٔ شکل‌گیری اندیشه و انگیزهٔ تألیف آن، شیوهٔ کار خود و همین‌طور دربارهٔ دشواری‌هایی که در راه دستیابی به اطلاعات معتبر با آنها روبه‌رو بوده، چندان‌که بسنده است شرح داده، آن‌سان که در

این باره نیاز به توضیح بیشتری نیست. اساس کار او، همان‌گونه که خود می‌گوید، بر پایه نقل قول از منابع و بازگویی دیده‌ها و شنیده‌هایش استوار است. در واقع، او برهه‌ای از تاریخ طریقه‌های شیعی ایران و آداب و سنن آنها را با استناد بر منابع کتبی و شفاهی روایت و ثبت کرده است.

درباره ترجمه این اثر، نکات زیر شایان ذکر است:

- اصل این کتاب در سه جلد تنظیم و منتشر شده است. از آنجا که حجم جلد‌های اول و سوم نسبتاً کم است و حجم عمده اثر اصلی مربوط به جلد دوم می‌شود، به صلاحدید ناشر محترم در ترجمه، هر سه جلد در قالب یک مجلد با شماره صفحه مسلسل به چاپ می‌رسد. کتابنامه هر سه جلد، از آنجا که برخی منابع در آنها مشترک است، برای پرهیز از تکرار در قالب یک کتابنامه تنظیم و در آخر مجلد آورده شده است. - نقل قول‌های از منابع فارسی و عربی در این اثر، نه روایتی آزاد از آنها به زبان آلمانی، بلکه ترجمه‌ای بس دقیق و به اصطلاح طابق النعل بالنعل‌اند. درباره منابع فارسی، متن نقل قول شده عیناً از روی منبع و از همان چاپ مورد استفاده مؤلف روایت می‌شود تا بدین ترتیب بین ترجمه آلمانی منبع مزبور و روایت فارسی آن در ترجمه همخوانی کامل باشد. بجز شاید دو سه مورد، خوشبختانه دستیابی به چاپ‌های مورد استفاده مؤلف با مراجعه و جست‌وجو در کتابخانه‌ها امکان‌پذیر شد. درباره این موارد معدود نیز بناگیز از چاپ‌های دیگری بهره جستیم، اما با مقابله دقیق متن فارسی و ترجمه آلمانی تا دست‌کم از لحاظ ترتیب عبارات و مضمون بین آنها اختلافی نباشد و تقریباً با هم برابر باشند. درباره نسخه‌های خطی مورد استفاده نیز وضع به همین منوال است. درباره این نقل قول‌ها، گفتنی است برای حفظ اصالت چاپ مزبور، رسم الخط و نقطه‌گذاری آنها در اینجا عیناً نگاه داشته شد. مثلاً دقت شد که «ذ» بدل دال یا «ک» بدل گاف به همین ترتیب حروفچینی و چاپ شود. باری، از هرگونه دست‌کاری و تغییر در این متن‌ها خودداری شد.

- درباره نقل قول‌های از منابع عربی، برای آنکه ترجمه‌ای دقیق به دست دهم و صرفاً به برداشت شخصی بسنده نکنم، در صورت امکان در اغلب موارد به منبع اصلی مراجعه کرده و این بخش‌ها را از روی ترجمه آلمانی مؤلف با در نظر گرفتن و پیش رو داشتن متن اصلی ترجمه کرده‌ام.

- اصطلاحات و عبارت‌هایی که مؤلف آنها را آوانگاری کرده است و در متن اصلی با حروف خمیده آمده‌اند، در اینجا برای آنکه متمایز شوند، با حروف تیره‌تر چاپ شده‌اند.

- در ذکر منابع، ترتیب عددها از راست به چپ از این قرار است: شماره جلد، شماره صفحه و شماره سطر، مثلاً تذکره ۲، ۳، ۴: جلد ۲، صفحه ۳، سطر ۴. در خصوص شماره صفحه، ترتیب چیدن عددها از چپ به راست است، اگر همراه با ذکر سطر باشند، پس از شماره صفحه از راست واژه سطر و سپس شماره سطر آورده شده است. درباره نسخه‌های خطی نیز همین ترتیب رعایت می‌شود.

- درباره آیات قرآن، در اینجا متن عربی همراه با ترجمه فارسی آورده شده است، هرچند اغلب تنها متن عربی آنها در مدنظر است. در خصوص ترجمه فارسی آیات گفتنی است که به طور عمده از ترجمه فارسی جناب آقای عزت‌الله فولادوند بهره جسته‌ام.

- در اینجا، تاریخ‌های هجری قمری، هجری شمسی و میلادی همواره به ترتیب با نشانه‌های «ه»، «ش» و «م» مشخص شده‌اند، مگر در کتابنامه که تنها تاریخ‌های هجری شمسی مشخص می‌شوند.

- درباره نام‌های طریقتی که با «علیشاه» همراه‌اند و در منابع به صورت‌های گوناگون ضبط شده‌اند، مثلاً غلامعلی شاه، غلام‌علیشاه، غلامعلیشاه، در اینجا روال کار به طور عمده بر جدا نوشتن «علیشاه» است.

- هرچند در ترجمه فارسی، هر سه جلد در قالب یک مجلد با شماره صفحه‌های مسلسل درآمده است، اما در ارجاعات هر جلد به دو جلد دیگر علاوه بر شماره صفحه که قاعدتاً با شماره صفحه‌های ترجمه مطابقت داده شده‌اند، شماره جلد نیز، هرچند ضروری نبود، ذکر می‌شود تا معلوم گردد که ارجاع مزبور در اصل مربوط به کدام جلد و کدام بخش است.

ویرایش و یکدست‌سازی متن و نمونه‌خوانی متن چاپی و استخراج نمایه‌ها را این حقیر خود انجام داده است. متن را بارها خوانده و دقت کرده‌ام که از این جهات نابسامانی یا خطایی نیازمند اصلاح از نظر دور نماند. با وجود این، اگر ناهماهنگی و ایرادی باشد، متوجه این حقیر است. باری، این حقیر کوشش فراوان به خرج داد تا در حد بضاعت ناچیز خود با کمال فروتنی ترجمه‌ای تا حد امکان دقیق و متنی بسامان به پیشگاه خوانندگان دانشی و صاحب‌نظر عرضه دارد، خوانندگان نکته‌سنج و تیزبینی که کوچک‌ترین خطا و نابسامانی از دیدگان آنان دور نخواهد ماند. امید که به خطاهای احتمالی بزرگوارانه به دیده اغماض بنگرند و از سر لطف این حقیر را از آنها آگاه سازند. در این مجال، لازم می‌دانم از همکاری بی‌دریغ کتابداران گرامی کتابخانه محترم

مجلس شورای اسلامی یاد کنم که دسترسی به منابع مورد نیاز را با گشاده‌رویی برایم امکان‌پذیر ساختند. خوشبختانه بیشتر منابع مورد نیاز را در این کتابخانه غنی و ارزشمند یافت‌م. از این کتابداران پرتلاش بی‌نهایت سپاسگزارم. همچنین کتابداران ارجمند کتابخانه محترم ملک را سپاس می‌گویم که صمیمانه پذیرای من بودند و زحمات‌های گاه به‌گاه مرا با رویی گشاده برتافتند. بایسته است از حروفچین زبردست جناب آقای خسرو هادیان که بارگران حروفچینی این اثر بر دوش ایشان بود، سپاس دارم. وی ضمن حروفچینی نکاتی را نیز یادآوری کرد که از این جهت هم از او سپاسگزارم. همچنین از مدیر محترم نشر نامک و آقای مرتضی هاشمی‌پور سپاس دارم که زحمت نشر این کتاب را کشیدند. علاقه دیرینه ایشان به این اثر بود که بذل ترجمه آن را افشاند و چاپ آن را به بار آورد. نیز فرصت را غنیمت می‌دانم و پدرم و بویژه مادرم را سپاس می‌گویم که با وجود گرمابخش خود همواره تکیه‌گاه و یاور من در زندگی بوده‌اند.

آغاز سخن با نام خداوند بی‌همتا بود و حال سپاس و ستایش ذات مقدسش را زیورآرای پایان سخن می‌سازم و از بُن جان اذعان می‌دارم که اگر یاری و دستگیری او نبود، باری هرگز این کار بر نمی‌آمد، سپاس او را.

شیرین شادفر

آذرماه ۱۳۹۸ خورشیدی

جلد ۱

سلسلہ ۱

پیشگفتار



نخستین پایه‌های کار حاضر در سال ۱۹۵۹م نهاده شد. در آن زمان جهت اقامتی دانشجویی در ایران بودم. شرایطی مساعد موجب شد که بتوانم با درویشان رابطه برقرار کنم و با زندگی و اندیشه آنان در آمیزش و همنشینی مستمر حضوری آشنا گردم. رفته رفته بر آن شدم درویشگری ایرانی را که تاکنون برای شرق شناسی کم‌وبیش به طور کامل پوشیده و سر بسته مانده بود، در کاری علمی شرح دهم، آنچه بدون تشویق و پشت‌گرمی پروفیسور فریتس مایر که در همان زمان در تهران به سر می‌برد، چه بسا هرگز برنمی‌آمد.

در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰م، طی چندین ماه تقریباً هر روز به دیدن اعضای از طبقه‌های صوفیان شیعی رفته، پرسش‌های خود را برای آنان مطرح کرده و به گفت‌وگوهایی که آنان بین خود می‌کردند، گوش داده، در گردهمایی‌های رسمی آنان شرکت جسته، به خانقاه‌های آنان که در سراسر کشور پراکنده‌اند، سر زده، منابعشان را فراهم آورده‌ام. تقریباً همه‌جا مرا به گرمی پذیرفته‌اند، اغلب خود را مفتخر به دیدار بیگانه‌ای می‌دانستند و تا آنجا که مقدور بود می‌کوشیدند با خواسته‌هایم موافقت و همراهی کنند. اما برای آنکه به من دربارهٔ طبقهٔ خود چیزهایی بگویند که از اسرار به‌شمار می‌آورند، و برای آنکه در خصوص پرسش‌های گاه به‌طور حتم آزاردهندهٔ من دربارهٔ جهان‌بینی و آداب و رسوم درویشان اطلاعاتی دهند، آمادگی چندان زیاد نبود. شرم معنوی خاصی، اما بیشتر اوقات نیز فقط رازداری و پنهان‌کاری‌ای دانسته، اغلب مانع می‌شد که بتوان

فراتر از سطح به‌سوی گفت‌وگویی جدی رفت، و بویژه احتمالاً احساسی انسانی بر سر راه بود که نمی‌توانم آن را با کلماتی بهتر از کلمات ابو حفص عمر سهروردی شرح دهم: «صوفیان دوست ندارند که غیر صوفیان آنان را خدمت کنند، و نیز نمی‌خواهند که با آنان درآمیزند. آخر، هر که را روش زندگی آنان خوش نیاید، ممکن است بیشتر به او آسیب رسد تا سود اگر به تماشای آنان بایستد؛ چه، به هر حال آنان البته کسانی هستند که پاره‌ای امور بشری بر آنان پدیدار می‌گردد که آنگاه غیر صوفی آنها را مردود می‌شمرد، چرا که از مقاصد آنان چندان آگاه نیست.» (عوارف‌المعارف، قاهره ۱۹۳۸ م، ص ۸۰).

اگر با وجود تمام دشواری‌ها موفق شدم به دنیای اندیشه‌های درویشان ایرانی عمیق‌تر نفوذ کنم و با آداب و رسوم آنان که معمولاً بدقت پنهان داشته می‌شود، آشنا شوم، پس این را در وهله نخست و ام‌دار شمار اندکی از مشایخی هستم که حاضر بودند به پرسش‌های من تن در دهند و به آنها بپردازند، و سرانجام موثق‌ترین منابع من شدند، پس از آنکه ناگزیر بودم صدها تن دیگر را که آزموده بودم، نادیده گیرم؛ برخی را چون دانش لازم را نداشتند، برخی را چون به سخنان آنان اعتمادی نبود. بدون این گروه کوچک از مردان قابل اعتمادی که پذیرفتند به من طی ساعات بسیار با گفت‌وگوی خود خدمتی ایثارگرانه کنند، هرگز به نتایجی که در اینجا عرضه می‌دارم، نمی‌رسیدم. بنابه خواست ایشان نامشان را در این کار پیش نمی‌کشم.

در نظر دارم موضوع را در سه بخش طرح کنم و شرح دهم. در بخش نخست قرار است خطوط اصلی سه طریقه شیعی به‌طور کوتاه نشان داده شود؛ در عین حال برای من بیشتر این مطرح است که خواننده را با اشخاص و منابع تاریخ جدیدتر طریقه‌ها آشنا سازم. بخش بمراتب گسترده‌تر دوم در بررسی جهان‌بینی درویشان است که می‌کوشم آن را در چهارچوب‌های وسیع‌تر کل تفکر صوفیانه به‌ترتیب بگنجانم و نظم دهم. در بخش سوم که به‌منزله مقاله‌ای درباره مردم‌شناسی اسلامی در نظر گرفته شده است، به رسوم و آیین‌های طریقه‌های درویشی خواهم پرداخت. من چگونگی اوضاع در سال ۱۹۶۰ م را مبنا قرار می‌دهم. دیگر نمی‌توان تحولاتی را که تاریخ سپس‌تری دارند، بی‌کم‌وکاست دریافت.

ارجاعات را اغلب به‌صورت کوتاه شده به‌دست می‌دهم. عنوان کامل و چاپی که به آن استناد می‌کنم در کتاب‌نامه مندرج شده می‌یابید. سال‌های اسلامی که اغلب تاریخ میلادی معادل را به آنها ضمیمه می‌کنم، اگر بدون پی‌افزود ارائه گردند، همواره باید

سال‌های قمری* تعبیر شوند. اگر سال‌های شمسی ایرانی مطرح باشد، نشانهٔ S (شمسی)* را می‌افزایم.

به تمام کسانی که در به‌ثمر رسیدن این کار سهیم بوده‌اند، صمیمانه‌ترین سپاس خود را ابراز می‌دارم، بویژه به رؤسای دانشگاه تهران برای مهمان‌نوازی‌شان، به آقای پروفیسور فریتس مایر، بازل، که به‌نحو سخاوتمندانه‌ای اجازه داد که از کتابخانهٔ غنی‌اش بهره‌جویم، برای تشویق، راهنمایی و یاری، به صوفیان ایرانی برای مهربانی و شکیبایی‌شان، به آقای پندیکت راینرت برای یاری ارزشمند و ایثارگرانه‌اش در تصحیح فرم‌های شانزده صفحه‌ای.

سرانجام مایل‌م گرم‌ترین سپاس خود را به تمام کسانی ابراز دارم که برای من در اینجا امکان یافتن جایی آرام برای کارم را فراهم کردند.

بورگن، پاییز ۱۹۶۴ م

ریشارد گراملیش

* در ترجمه، سال‌های قمری با نشانهٔ ه مشخص شده‌اند.

** در ترجمهٔ فارسی با نشانهٔ ش مشخص شده‌اند.



سه طریقه شیعه

درویشگری شیعه در ایران امروز از سه طریقه بزرگ تشکیل می شود: ذهبیه، نعمت‌اللهیه، خاکساریه. این سه طریقه موضوع پژوهش ماست. گروه‌های انشعابی کوچک شیعی و طریقه‌های سنی ایران که بویژه در کردستان پرتعدادند، همچون قادریه و نقشبندیه، از نظر دور داشته می‌مانند.

این سه طریقه شیعه چندان که باید ویژگی‌های مشترک دارند تا بتوان آنها را در کنار یکدیگر بررسی کرد. ساختار ظاهری یکی است: در رأس طریقه، قطب با قدرت حاکمیت کلی خود قرار دارد، فرودست او مشایخ‌اند به همراه شاگردان خود، در هر کار رسمی وابسته به او و در حدود اختیارات خود محدود به قلمرویی تعیین شده از سوی او. بخش بیشتر میراث فکری این سه گروه از اصول و ریشه‌های یکسانی سربرآورده است، و حتی آداب و رسوم آنها نیز وجوه مشترکی دارند.

هرچند هر طریقه چهره خاص خود را دارد که آن را آشکارا از دیگران جدا می‌کند، اما تفاوت اساسی و عمده یکسر ظاهری و تشریفاتی است: شخص قطب یک شخص نیست. ممکن است برای بیگانگان این ایجاد و پایه‌گذاری انبوه امور مربوط به طریقه بسیار سطحی و بی‌اهمیت بنماید. اما برای عضو طریقه در آن آنچه در نهایت و در اصل مهم و تعیین‌کننده است قرار دارد. درویش حتی امروزه نیز، در دوره طریقه‌داری سازمان‌دهی شده، همچنان سخت‌مقید و وابسته به شخص بالادست خود است، نه فقط به سازمان. با وجود این، این وابستگی و پایبندی به قطب، حال چه مستقیم چه غیرمستقیم از طریق شیخی که او برگمارده، به نظر وی فقط آنگاه سنجیده و پسندیده

می‌نماید که این [شخص] براستی قطب باشد، یعنی یگانه رئیس قانونی و مشروع کل صوفیگری و صاحب منحصر بفرد کل علم غیب رسیده از پیامبر.

قطب‌ها تشکیلات اداری مشروع خود را به وسیله شجره‌نامه‌ای معنوی ثابت می‌کنند، آن به اصطلاح سلسله (در اصل زنجیر) که با آن در عین حال ادعاهای رقیبان خود را که آنان را مدعیان و قطب‌های دروغی صرف می‌شمردند، رد می‌کنند. آنان اغلب چند حکم انتصاب کتبی نشان می‌دهند که گذشتگان‌شان با آنها هر بار جانشین خود را تعیین کردند. البته حالا بتازگی، بویژه نعمت‌اللهی‌ها، اما دو طریقه دیگر نیز، به سبب شکاف‌ها و دودستگی‌های درونی گسیخته شده‌اند، آن‌سان که شماری بسیار از قطب‌ها را می‌توان دید. من خود به دیدن بیشتر آنان رفته‌ام، و توانستم دریابم که عده‌ای با واقعیت‌ها کنار آمده‌اند و شمار بسیار طریقه‌ها و قطب‌ها را بدون تأسف چندان زیاد برمی‌تابند و بدیهی می‌دانند، حتی اگر سلسله خودشان را با جان و دل به اطلاع رسانند و عرضه دارند و بکوشند سلسله‌های دیگران را رد کنند.^۱ آن وقت، در میان آنان و شاگردانشان گاه می‌توان این آموزه قدیمی را یافت که قطب راستین پنهان است، هر چند در میان ما زندگی می‌کند، اما هویت خود را آشکار نمی‌کند، و جز این. سرانجام، همچنین پیش می‌آید که قطبی، در ارتباط عجیب نظریه آرمانی و واقع‌گرایی عملی، خود را آخرین عضو به گمان خودش تنها سلسله واقعی و اصلی قطب‌ها به شمار آورد، اما به علاوه در عین حال بکوشد هویت خود را در مقام جانشین دیگر مدعیان چنانکه اذعان داشته می‌شود دروغی ثابت کند.

۱. کم‌کم به‌نظم می‌رسد که این دایره‌هایی که بیشتر اهل مداربند در شرح سلسله خود چندان به رساندن منصبی به دیگری که البته برای آن نیز تنها یک صاحب مشروع را مجاز می‌شمردند نمی‌اندیشند که به انتقال دانشی سری می‌اندیشند که به شاخه‌شاخه شدن بیشتر آن اغلب اعتراف می‌شود، حتی اگر تمامیت آن فقط به قطب واقعی روا داشته شود. قطب نعمت‌اللهی محمدجعفر کیوردآهنگی مجذوب‌علیشاه (د: ۱۲۳۸ یا ۱۸۲۳/ ۳۹ هـ یا ۲۴ م) کثرت سلسله‌ها را برای همان عرفان قدیم‌تر نیز با شاخه‌شاخه شدن دانش سری که حتی علی (ع) هم - نه به وسیله تعلیم و تعلم، بلکه به وسیله سیر و القا - به چندین کس همزمان رسانید، مرتبط می‌کند. به عقیده او، نخستین همراز علی (ع) پسرش حسن (ع) بود؛ سپس نوبت به حسین (ع)، برخی خواص از میان صحابه (سلمان فارسی، ابوذر و دیگران)، سرانجام برخی از جانشینان آنان (کمیل بن زیاد، حسن بصری و جز اینها) رسید. ترتیب محرمان اسرار از حسین (ع) به امامان بعد می‌رسد، اما برخی امامان خود دوباره علم غیب خود را به دیگرانی رسانده‌اند، و سپس اینان به نوبه خود سلسله تازه‌ای تشکیل داده‌اند. بدین‌سان، جعفر صادق (ع) به بایزید، موسی کاظم (ع) به شقیق بلخی، علی رضا (ع) به معروف کرخی آموخت. مراحل السالکین ۸-۱۴۶؛ قس: ریاض السیاحه^۲، صورت‌های درختی بنا بر ص ۳۳۶.

سلسله در مرکز توجه قرار دارد. فقط بندرت ممکن است با قطبی گفت‌وگویی نسبتاً طولانی انجام داد که در هر فرصتی که دست دهد به این موضوع نکشد. اما منشاء این نه‌تنها سیاست شخصی قطب است که معطوف است به دست یافتن به قدرت و گسترش آن، بلکه، چنانکه دیدیم، احساس نیاز است به موجه نشان دادن وجود و بقای طریقه خود و ثابت کردن اینکه هرآنچه رواست از صوفیگری انتظار داشت، می‌توان در این طریقه یافت. بنابراین، اگر درویش عادی بخواهد نشان دهد که درویشی او واقعی و درست است، پس در وهله نخست نه از اعتقاد و سلوک خود، که از سلسله قطب خود سخن می‌گوید. طریقه او عبارت از سلسله است؛ او برای هر دو، واژه یکسان سلسله را به کار می‌برد. هر آن چیز دیگر بی‌چون‌وچرا وابسته به سلسله است.

در بررسی و تحقیقی که در پی می‌آید، قرار است پس از بازنگری کوتاهی بر نیاکان طریقه‌ها، همان‌گونه که در سلسله‌های رسمی دیده می‌شود، به صورت مختصر و اغلب سرفصل‌وار شرح مختصری از تاریخ و ادبیات جدید به دست داده شود، ضمن آنکه در هر وهله آنجایی آغاز می‌کنم که طریقه در صورت امروزی خود بخوبی از لحاظ تاریخی روشن و آشکار می‌شود، اندکی بیش از صد سال در مورد ذهبی‌ها و نزدیک به دویست سال پیش در مورد نعمت‌اللهی‌ها. موفق نشدم به خاکساریه از لحاظ تاریخ تکامل راه برم؛ به جای آن کوشیده‌ام آن را در گرایش‌ها و جریان‌هایی فکری در محدوده اسلام بنابر دیدگاه‌هایی عینی و ساخت‌شناختی، به جای دیدگاه‌های تاریخی، نظم و ترتیب دهم.

من از سلسله‌های هریک از طریقه‌ها پیروی می‌کنم، انشعاب‌ها را نشان می‌دهم، تصویری از زندگی هریک از شخصیت‌ها، آنجا که این امر ضروری به نظر رسد، به دست می‌دهم و آثار ادبی آنها را نام می‌برم. احتمالاً نوشته‌های مهم‌تر عصر جدید همگی ثبت شده‌اند. اگر فهرست نام‌ها و واژگان در پایان این کار در مد نظر قرار داده شود، می‌توان از آن همچون کتاب مرجعی سود جست که به کمک آن می‌توان به یکایک دستاوردهای ادبیات طریقتی جدید شیعی به آسانی از لحاظ تاریخی نظم و ترتیب داد. امیدوارم بدین وسیله یکی از بسیار جاهای خالی اسفبار در کتاب‌شناسی فارسی پر شده باشد.